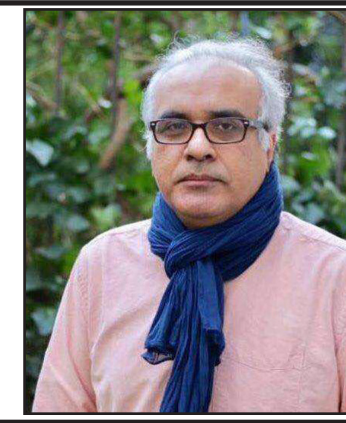
نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و چهارم - شماره ۹۷۰ شنبه ششم شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰۰۰ تومان

کرونایی‌های بوشهر:
دارو کم، داروخانه‌ها شلوغ، توزیع نامناسب
صفحه ۲

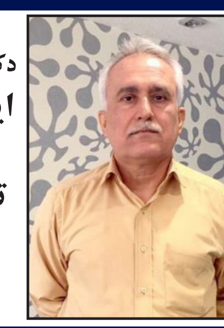


یادداشتهای ناپل
نبرد اسکندر با داریوش سوم در ناپل
علیرضا مشایخ
صفحه ۴

تدبیر در مقابله با تشکیل اجماعی جدید علیه ایران
صفحه۲

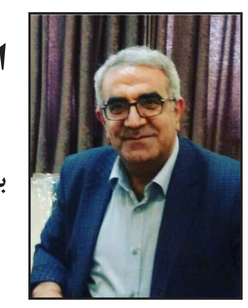


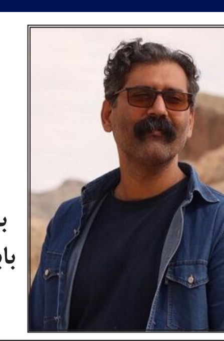
موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوران معاصر
دکتر حمیداسدپور
صفحه ۳

۳

دکتر امان اله شجاعی:
ایران در مقابل ناامنی منطقه توسط طالبان، باید هوشیار باشد

۳

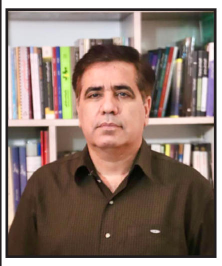
به خود آییم و انسانیت را دریابیم
ناصر باستی

٤

اقتدار پزشک و پزشکی
به مناسبت روز پزشک
دکتر سعید معدنی

٤

مان و رَاویانِ ریتم ...
با یادِ زنده یاد بمان باباحاجی (عامو بمون)
حماسه حق پرست

سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

جلوی این رقم های تلخ را بگیرید



صد، دویست، پانصد، ششصد و ... تنها رقم شده اند برای ما، اما چه رقم های تلخی، رقم هایی که با اعلام شدن روزانه هر کدام، کوهی از مصیبت و غم و اندوه بر سرمان خراب می شود. این همه صدهای روزانه از تفریق بر زمین افتادن تک تک انسانها جمع می شود، داغدار شدن تک تک خانواده ها، یتیم شدن فرزندی و از دست دادن فرزندی، به عزا نشستن برادر و خواهری، داغدار شدن یک انسان و به مصیبت گرفتار شدن شهر و روستایی، به تلخی در آغوش گرفتن جسد سرد دختر نوجوانی توسط پدر در کنار قبر...

کرونا همچنان می تازد، بی رحمانه می تازد، در خانه ها، در خیابان ها، در شهرها و روستاها و همچنان روزانه صدها به صدها از ماها را با خودش می برد. به بیمارستان، به درمانگاه، به قبرستان، به سینه های دیوار و فضای مجازی در قالب آگهی ترحیم.

همچنان واکسیناسیون عمومی باید اولویت اول کشور باشد، دیگر برای ما توجیه نکنید که چرا از واکسیناسیون عمومی که منجر به قتل ده ها هزار نفر شد عقب افتادیم و چرا به موقع واکسن وارد نکردید. اکنون برای مردم اهمیت دارد که واکسن وارد کنید، حداقل صد میلیون واکسن عقب افتادیم، صد میلیون واکسنی که باید تا حالا تزریق شده بود. جلوی تکرار این چهارصد و پانصد و ششصدهای روزانه را بگیرید، بر سر لیست انبوه مشکلات کشور، مشکل نبود واکسن و ضرورت وارد کردن آن را بگذارید. با غم در چهره و آتش در دل میگوییم واکسن می خواهیم.

تالمات و تاملات خورشید



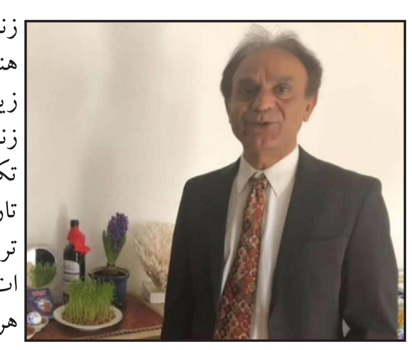
بالاخره با گذر از هفت خوان معرکه ی نشر کتاب، جلد دوم بخش های دیگری از مقالات ۵۰ ساله خورشید فقیه نویسنده، محقق و روزنامه نگار بوشهری بر پیشخوان کتابفروشی های این دیار نمایان شد. کتابی به حجم ۴۸۰ صفحه و با عنوان «تالمات و تاملات خورشید» پیرامون هشت موضوعات مختلف و متنوع و با همان سبک و سیاق نوشتاری نویسنده در جلد نخست.

محل توزیع اصلی: بوشهر، خیابان امام (سنگی) روبروی سازمان انتقال خون، کتابفروشی و انتشارات پاتیزه.

چگونه بهار عمرمان بر باد خزان رفت

تقدیم به شادروان پرویز ابراهیم زاده و مرامش در رفاقت...

دکتر عبدالرحیم مهرور



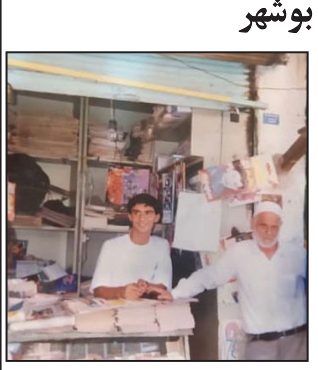
زندگی مبارزه ایست که باید در آن چون جنگاوری باشی که هنگام آمدن مرگ پیروز میدان تو باشی.

زیرا هرتولد از پشت مرگ زنده می شود و درحبابی بنام زندگی، خیلی ها را در روزمرگی ها می‌بینیم در کشاکش تکرار کسالت آور بر دایره هستی اما بعضی از آنها در حافظه تاریخی مان ماندگار میشوندو با شنیدن خبر مرگشان در ترافیک خبرهای معمولاً بد روزگار ما، بهت ناباورانه احاطه ات میکند و موج این خبر تو را درسونامی غرق می سازد هرچند می دانی مرگ همیشه آرام، ما را می پاید، و همیشه در یک قدمی ماست،امابعضی ها انگار در مرگ هم زنده اند، حضورشان، و خاطراتشان همیشه تازه است .

زنده یاد روانشاد پرویز ابراهیم زاده یکی از همان انسانهاست، پرویز بخش زیادی از خاطرات ما را در محله بزرگ شکری ساخته است، برادری که با او سالها کوچه پس کوچه ها ی محله شکری با هم زندگی را مشق می کردیم، هر چند دست تقدیر سرنوشت درابتدای انقلاب از همدیگر جدایمان کرد و در غربت (آلمان) روزگار تنهایی را سپری کرد، اما هیچگاه زمان و مکان نتوانست بودن های پرویز را حوالی زندگی، حوالی شکری وعطر بی مثال رفاقت های آن روز ها بگیرد ازما، مگر می‌شود شوخ طبعی و مهربانی پرویز را از خاطر برد؟

آن روزها و شبهایی که با بچه های محل دسته دسته کنار منزل مرحوم ابراهیم زاده پدر می نشستیم و دل خوشی مان همین با هم بودن های ساده و صمیمی بود ،سال هاست که در روزگار خاکستری بدنبال آن روز ها می گردم و ای کاش می توانستم دوباره در خنکای درختان بابل شکری یکبار دیگر با هم بودن های بی تکرار را تجربه کنم، پرواز پرویز آن هم در غربت مرا در پیچاب اندوهان فرو برد و جز افسوس کلامی نمی یابم، ضمن تسلیت به خانواده محترم ابراهیم زاده به ویژه محمود عزیز، آرامش جاودان را برای پرویز آرزو دارم... روحش شاد و یادش گرامی باد.

درگذشت پیر عرصه مطبوعات بوشهر



حسین مهیمنی: درگذشت زنده یاد حاج حسین دعائی را خدمت خانواده محترم دعائی تسلیت عرض می نمایم. زنده یاد دعائی انسان مومن و وارسته ای بود که برای بسیاری از همشهری های بوشهری ما واجد احترام و شخصیت شناخته شده ای بشمار می آمد، علی الخصوص برای هم سن و سالان ما که مطالعه وتورق کردن مطبوعات را مدیون خدمات شایسته ایشان بودیم و بسیار خاطرات از ایشان به یادگارداریم. انسان متدین وسلیم النفسی که نشر آگاهی و اطلاع رسانی را وجهه همت خود نموده بود و علی رغم این که راه های بسیاری برای گذران و امرار معاش وجود داشت، ایشان توسعه فرهنگ مطالعه را برگزید و در همان حجره محقر فروش مطبوعات و روزنامه، دنیائی از معنا و دانش و آگاهی را بر روی جوانان و نوجوانان تشنه دانستن برگشود و البته تواضع و فروتنی واخلاق حسنه و تدین ودقت درکسب روزی حلال، درس دیگری بود که به عیان می شد در رفتار و گفتار آن پیرعرصه مطبوعات آموخت. یادش مانا و روحش شاد باد. با وقار مردی که اولین نسخه روزنامه را در طول عمرم از دست باکرامت ومهربان ایشان گرفتم. این ضایعه اسفبار را مجددا خدمت خانواده شریف دعائی و جامعه مطبوعاتی دیارمان تسلیت عرض می نمایم.

اجتماعی
شماره ۹۷۰ شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۰
NASIM JANOUB

برنامه های هفته دولت اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر



برنامه های اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر در هفته تکریم و بزرگداشت دولت اعلام شد.
به گزارش اداره روابط عمومی تامین اجتماعی استان بوشهر، عباس دیری، با اشاره به ایام شهادت دولتمردان شهید، رجایی و باهنر اظهار داشت: شهیدان رجایی و باهنر مصادیق عینی مدیریت انقلابی اند که همه ارکان دولت ها تلاش دارند بسان آنها شوند که مهمترین عامل انقلابی شدن و انقلابی ماندن این دو شهید باعظمت را باید در مردمی بودن آنها جستجو کرد.
مدیر کل تامین اجتماعی استان بوشهر، هفته دولت را بهترین فرصت برای معرفی دستاوردهای ارکان مدیریتی کشور برشمرد و خاطرنشان کرد: فرا رسیدن این هفته را تبریک می گویم و باید بگویم که متأسفانه ویروس کرونا و بیماری کووید ۱۹ سایه ای بزرگ و عجیب بر همه امور مردم در سراسر دنیا افکنده اند که به همین دلیل بیشتر برنامه های تکریم و گرامیداشت این هفته نیز چون سال گذشته تحت تأثیر کرونا و عواقب آن تدارک دیده شده و عملیاتی خواهند شد.
وی افزود: فضاسازی‌های کاربردی و انجام تبلیغات محیطی از طریق نصب بنر، پوستر و سایر اقلام تبلیغی در محیط های اداری و آموزشی و همچنین فضاهای مجازی اولین اقدام این هفته بود که در تمام شعب تحت پوشش، تدبیر لازم صورت گرفته است.
دیری در ادامه به تقدیر از کارمندان نمونه شاغل هم پرداخت و گفت: از کارکنان نمونه شاغل در سطح ادارات استان به نحوی شایسته تقدیر می شود .
وی جهت پیشگیری از بیماری کووید ۱۹ هم اشاره کرد و گفت: انجام غربالگری در مبادی تمامی شعب و ساختمان های اداره کل ادامه دارد که در هفته دولت جدیت بیشتری خواهد یافت.
دیری افزود : در این هفته طرح واکسیناسیون کلیه کارکنان شاغل در هفته دولت انجام شد ه است بلحاظ این که کارکنان اداره کل و شعب تابعه استان به دلیل ماهیت شغلی شان به عنوان یکی از گروه‌های پرریسک در معرض ابتلا و نیز کانون احتمالی برای سرایت ویروس در سطح جامعه هستند و واکسیناسیون این گروه بسیار ضروری بود که به کاهش شیوع کرونا در سطح جامعه نیز کمک خواهد کرد.
مدیر کل تامین اجتماعی استان بوشهر اظهار داشت: از دیگر برنامه های ما نشست خبری با اصحاب رسانه های جمعی است که گفتگو خواهیم کرد و دستاوردها و اهداف برنامه های اداره کل در یکسال اخیر ارائه خواهد شد.
دیری به برگزاری نشست با شرکای اجتماعی بویژه مستمری بگیران و کارفرمایان هم اشاره کرد و بیان داشت: این نشست ها با رعایت پروتکل های بهداشتی به منظور روشن سازی افکار سازمانی برای کمک به اهداف دولت جدید برگزار خواهد شد.
برگزاری کلاس های آموزش مجازی دیگر برنامه ای است که مدیر کل استان در توضیح آن، گفت: دوره های آموزشی در قالب وبینار و ویدئو کنفرانس ویژه کارکنان تامین اجتماعی استان بوشهر طراحی شده که اجرا می شود.
مدیر کل تامین اجتماعی استان بوشهر در پایان به برگزاری جشنواره ای کارفرمایان نمونه اشاره کرد و افزود: برنامه ریزی و نحوه اجرای این جشنواره به شعب استان ابلاغ گردیده و از کارفرمایان نمونه استان بوشهر بر اساس شاخصهای بیمه ای تجلیل خواهد شد.

بیشترین شکایت بوشهری ها از چهار صنف کالایی و خدماتی است

معاون سازمان صنعت، معدن و تجارت استان بوشهر گفت: از ابتدای امسال تاکنون بیشتر شکایت‌های مردمی در حوزه کالا مربوط به نان و مرغ و در بخش خدمات مربوط به تعمیر خودروی سبک و آرایشگاه‌ها به ثبت رسیده است.
به گزارش ایرنا، رضا جمالی در گفت و گو با خبرنگاران افزود: واحد رسیدگی به شکایات این سازمان و ادارات تابعه در پنج ماه اول امسال به یکهزار و ۳۰۱ فقره شکایت درباره کالا و خدمات رسیدگی کرد که ۳۸۰ فقره منجر به کشف تخلف و تنظیم گزارش بازرسی شد.
وی بیان کرد: در ۷۱۷ شکایت نیز، فرد مورد نظر متخلف شناخته نشد و تعداد ۱۰۲ فقره شکایت نیز منجر به جلب رضایت شاکیان شد.
وی عنوان کرد: بیشترین تخلف‌های کشف شده شامل گرانفروشی، تقلب، زیان، کم فروشی، انجام ندادن تعهدات، رعایت نکردن ساعات کاری (در صنف نانوایان) و شیوه‌نامه‌های بهداشتی، بوده است. جمالی از مردم خواست در صورت دیدن هر گونه تخلف صنفی آن را از طریق سامانه ۱۲۴ گزارش کنند.

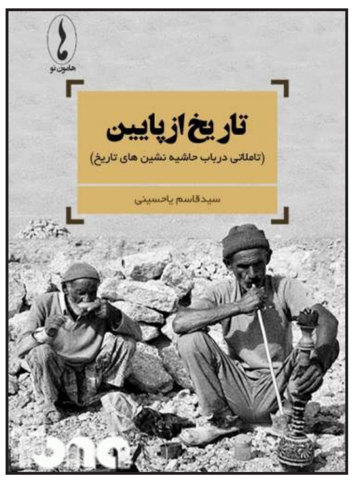
کرونایی‌های بوشهر: دارو کم، داروخانه‌ها شلوغ، توزیع نامناسب



پیک پنجم کرونا باعث چند برابر شدن شمار مبتلایان، مراجعان به بیمارستان‌ها و بیماران بستری و افزایش مرگ و میر در سراسر کشور از جمله استان بوشهر شده که این وضعیت افزایش مصرف و کمبود شدید دارو را در پی داشته و سرگردانی بیماران در داروخانه‌ها، درد مضاعفی بر آنان تحمیل کرده است.
به گزارش ایرنا، بررسی‌های میدانی خبرنگار ایرنا نشان می‌دهد، بیشتر داروخانه‌ها، بویژه شبانه روزی ها در بوشهر که مسئول تامین داروهای بیماران مبتلا به کرونا شلوغ هستند این در حالی است که برخی از این داروها یا در داروخانه ها وجود ندارد یا آن قدر کم است که به تعداد نوشته شده در نسخه و نیاز بیماران تامین نمی‌شود و همراهان بیمار مجبورند از داروخانه‌ای به داروخانه دیگر بروند یا برای تهیه دارو به خویشاوندان خود در دیگر شهرهای استان و یا حتی در استان‌های دیگر متوسل شوند.
شلوغی داروخانه‌ها و نسخه‌هایی که بعضی از آنها به دارو تبدیل نمی‌شود و یا یک یا دو قلم از آنها کم است موجب ناراحتی و سرگردانی مردم شده این در حالی است که معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر همواره بر نبود هیچ کمبودی در بخش تامین داروهای تخصصی بیماران مبتلا به کرونا تاکید دارد.
اما مسئولان استان بوشهر از جمله نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر با افزایش فزاینده شیوع ویروس دلتا در استان همواره بر حل مشکل شبکه توزیع دارو، تامین داروهای مورد نیاز مردم و برخورد مسئولان امور نظارتی با متخلفان، سودجویان و سوداگرانی که جان مردم را نشانه گرفته‌اند تاکید می‌کنند.
همچنین دکتر سعید کشمیری رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نیز درباره وضعیت دارو و سِرُم تاکید کرده که در زمان حاضر به اندازه کافی در بیمارستان‌ها وجود دارد و مراکز درمانی در این زمینه به آرامش رسیده و کمبودی وجود ندارد.
وی با بیان اینکه کمبود برخی از داروها کشوری است ادامه داد: همچنین به اندازه نیاز نیز دارو و سرم در اختیار داروخانه‌های منتخب که در استان بوشهر ۲۵ واحد هستند، قرار گرفته است و مشکلی در این زمینه وجود ندارد.
مسئولان فنی برخی از داروخانه‌های شبانه روزی نیز علت کمبود دارو در استان بوشهر را طولانی شدن پیک پنجم و افزایش شمار مبتلایان به کرونا عنوان می کنند که همین امر باعث شلوغی داروخانه‌های شهر شده است.
در زمان حاضر به بیان برخی از شهروندان بوشهری برخی از داروها از جمله "رمدسیویر" و " اکتمرا" که مخصوص بیماران مبتلا به کرونا است در چند داروخانه شبانه‌روزی این استان توزیع می‌شود و همین موضوع باعث ایجاد صف‌های طولانی و ازدحام جمعیت در داروخانه‌ها شده است این درحالی است که اگر مسئولان معاونت غذا و دارو برای یک مدت محدودی مجوز توزیع این داروها را به برخی دیگر از داروخانه‌ها بدهد این مشکل تا حد بسیاری برطرف می‌شود.
معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می‌گوید: در زمان حاضر وضعیت داروهای کرونایی نسبت به ۲ هفته پیش بهبود پیدا کرده و اقلام مختلف داروهای بیماران کرونایی و تنفسی از جمله سرم و رمدسیویر بر اساس سهمیه‌بندی در اختیار داروخانه‌ها و بیمارستان‌هایاین استان قرار گرفته است.
به گفته دکتر یحیی رضایی داروهای کرونایی در ۲۵ داروخانه استان بوشهر با نرخ بیمه ای در حال توزیع است.
وی با اشاره به افزایش چشم‌گیر مصرف رمدسیویر در ۲ ماه اخیر عنوان کرد: قیمت دارو رمدسیویر ۱۵۰ هزار تومان از اواخر هفته قبل کاهش یافت و به ۵۵۰ هزار تومان رسید، این دارو با بیمه نیروهای مسلح ۵۵ هزار تومان، سایر بیمه ۱۷۰ هزار تومان و بیمه تکمیلی نیز رایگان خواهد بود.
رضایی بیان کرد: در استان بوشهر بازار سیاه دارو به صورت سازمان یافته مثل ناصرخسرو در تهران یا احمدی در شیراز نداریم مگر به صورت موردی، طوریکه شنیده شده فردی در گناوه داروی «اکتمرا» را از خارج کشور وارد کرده و به تعدادی از هم استانی‌ها فروخته است.
وی با اشاره به اینکه تنها داروی وارداتی کرونا سرم بوده است، افزود: سرم کرونا با اولویت داروخانه‌های دارای داروی کرونا در حال توزیع است. قیمت آزاد فروش سرم نیم لیتری ۱۳ هزار و یک لیتری ۲۱ هزار تومان است.
رضایی با اشاره به تغییرنکردن قیمت سرم از ابتدای شیوع کرونا تاکنون، عنوان می کند: قیمت سرم بسته به نوع بیمه کاهش پیدا خواهد کرد و تنها سرم های وارداتی از ترکیه حدود ۱۰ هزار تومان بیشتر است.
وی ضمن بیان وجود کیت تشخیص سریع کرونا در داروخانه‌ها، یادآور شد: این کیت‌ها به صورت سریع می‌تواند کرونا را تشخیص دهد اما در این تست‌ها جواب کاذب وجود دارد و نمی‌شود به جواب این تست‌ها استناد کرد.
معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی بوشهر اضافه کرد براین باور است با توجه به شرایط خاص کنونی فرد در صورت داشتن علائم اعلام شده بلافاصله خود را قرنطینه کند.

تازه‌های نشر

«تاریخ از پایین» به روایت سیدقاسم یاحسینی



تازه‌ترین اثر سیدقاسم یاحسینی، پژوهشگر، مورخ اجتماعی و نویسنده جنوبی با عنوان «تاریخ از پایین» (تاملاتی در باب حاشیه‌نشین‌های تاریخ) به همت انتشارات هامون نو راهی بازار کتاب شد.
به گزارش خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، مولف در مقدمه این اثر در خصوص موضوع آن اشاره کرده است: موضوع «تاریخ از پایین» یا به‌عبارتی «تاریخ اعماق» تاریخ زندگی توده‌هاست. زندگی عادی و معمولی، بدون قدرت و ثروت. در باب «تاریخ از پایین» به زبان فارسی مطالب اندکی وجود دارد. حتی مورخان و پژوهشگران ایرانی عموماً با مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی این نوع نگرش به تاریخ و تاریخ‌نگاری، چندان آشنا و مأنوس نیستند.
در رساله مختصر حاضر کوشش شده تا با اجمال تمام درباب «تاریخ از پایین» به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: تاریخ از پایین چیست؟ زمینه‌های فکری و فلسفی تاریخ از پایین کدام‌هاست؟ تاریخ از پایین مکتب است یا گرایش؟ تاریخ از پایین و نظریه‌های اجتماعی. تاریخ از پایین چه نسبتی با تاریخ‌های دیگر دارد؟ تاریخ از پایین و جنبش فمنیسم. آیا تاریخ از پایین زیر مجموعه تاریخ اجتماعی است؟ منابع تاریخ از پایین کدام است؟ نسبت تاریخ از پایین و تاریخ شفاهی چیست؟ نسبت تاریخ از پایین و تاریخ محلی چیست؟ تاریخ از پایین به چه کار می‌آید؟ مخالفان تاریخ از پایین چه می‌گویند؟ گرایش‌های فکری و نظری در تاریخ از پایین چیست؟ تاریخ از پایین در ایران. تاریخ از پایین و تاریخ ایران. تاریخ از پایین و انقلاب اسلامی. تاریخ از پایین و جنگ تحمیلی. افق‌های تاریخ از پایین کدامند؟ مرزها و پرسش‌های تاریخ از پایین چیست؟ و...
یاحسینی در ادامه مقدمه کتاب «تاریخ از پایین» نوشته است: چندین سال پیش به‌نظرم رسید با توجه به مطالعات در زمینه فلسفه نظری تاریخ و به‌خصوص با تکیه بر تجربیات شخصی خودم در زمینه نگارش «تاریخ از پایین» و «تاریخ اعماق» سلسله مقالات و مطالبی دراین زمینه نوشته و به‌تدریج در مجله الکترونیک و اینترنتی «تاریخ شفاهی» وابسته به حوزه هنری منتشر کنم. این فکر را با مدیر وقت این سایت در میان گذاشتم و او از آن استقبال کرد. تقریبا از اواخر پاییز ۱۳۹۳ بود که شروع به‌نگارش مقالاتی دراین باب کردم که به‌تدریج دراین مجله اینترنتی، منتشر شد. هنوز چند شماره از آن مقالات منتشر نشده بود که «بنا به دلالی» چاپ بقیه مقالات متوقف شد.
چندین سال سپری شد و من سرگرم انبوه کارها و طرح‌های پژوهشی و مطالعاتی دیگر شدم. در چند ماه اخیر بار دیگر به این مجموعه رجوع کردم. دریغم آمد آن مطالب منتشر نشده، فرصت انتشار نیابند. از این روی تصمیم گرفتم با ویرایش جدید آن مقالات و افزودن چند نوشتهٔ تازه به آن که آخرینش درباب شیوع آنفلوانزای ۱۹۱۸ در قزوین است، مجموع آن مقالات را در قالب کتاب چاپ و منتشر کنم.
«تاریخ از پایین» یا «تاریخ از اعماق» نوعی روش، بینش و دیدگاه نسبت به انسان، جامعه و تاریخ است. ما ایرانیان اگر چه در زمینه نظری با اصول چنین تفکر تاریخی آشنایی چندانی نداریم؛ اما در عمل و بدون شناخت مبانی فلسفی آن، با این نوع تاریخ‌نگاری آشنایی داشته و حتی به آن دلبسته هستیم!
یادآوری می‌شود، کتاب «تاریخ از پایین» نوشته سید قاسم یاحسینی، نویسنده، مورخ اجتماعی و پژوهشگر جنوب به همت انتشارات «هامون نو» با شمارگان ۷۰۰ نسخه راهی بازار کتاب شده است.

بیمار مبتلا به کرونا هنگام فرار از بیمارستان خلیج فارس جان داد

رئیس مرکز آموزشی درمانی شهدای خلیج فارس بوشهر گفت: اقدام به فرار بیمار ۳۳ ساله مبتلا به کرونا از پنجره این مرکز آموزشی منجر به مرگ وی شد.
به گزارش ایرنا، دکتر عاطفه اسفندیاری به رسانه‌ها اعلام کرد: این بیمار مبتلا به کرونا که در بیمارستان شهدای خلیج فارس تحت معاینه و درمان بود، با ادامه روند درمان مخالفت کرده و اقدام به فرار از طریق پنجره کرد. وی ادامه داد: "همکاران من در این مرکز درمانی بلافاصله پس از حادثه بر بالین وی حاضر شده و اقدام به احیا بیمار کردند، اما به علت ضربه مغزی و جراحت‌های وارد شده، بیمار جان داد.
رئیس مرکز آموزشی درمانی شهدای خلیج فارس بوشهر گفت: پرونده بیمار مربوط از سوی مقام‌های قضایی و انتظامی در دست بررسی است و نتیجه آن در روزهای آینده مشخص می‌شود.
وی یادآور شد: در این شرایط سخت بیماری، در صورتی که افراد به کرونا مبتلا شدند باید به موقع زیر نظر پزشک مربوطه اقدام‌های درمانی لازم را انجام دهند.

تدبیر در مقابله با تشکیل اجماعی جدید علیه ایران

رضا مقاتلی - پژوهشگر روابط بین الملل



روند پرونده هسته ای ایران اگر مهم ترین موضوع کنونی نظام بین الملل نباشد، به یقین یکی از مهم ترین موضوعات حال حاضر در عرصه نظام روابط بین الملل است.
این پرونده مراحل و دوره های متعددی را در طول حیات خود طی نموده است که از آن جمله می توان به صدور چندین قطعنامه و بیانیه چه در سازمان ملل متحد و چه در آژانس بین المللی انرژی هسته ای بعنوان متولی اصلی و نهاد صلاحیت دار رسیدگی به این موضوع اشاره نمود. قطعنامه های ۱۹۲۹ و همچنین ۲۲۳۱ شورای امنیت را می توان بعنوان مصداقهای بارز چنین قطعنامه ها و بیانیه هایی مورد اشاره قرار داد.
اظهارات جدید رابرت مالی نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران در ارتباط با پیش بینی ایالات متحده در مورد اقدامات جدید در مقابله با ایران در صورت عدم حصول گفتگوهای برجام، جای تامل دارد.
مالی اشاره کرده است: "در صورت عدم حصول نتیجه در گفتگوهایی که دوماه به تعویق افتاده است به دنبال انعقاد قراردادی با شرایط و مفاد جدید با اجماعی جهانی در مقابل ایران اقدام خواهیم کرد"؛ در واقع اشاره ی مستقیم به "تشکیل اجماع جهانی علیه ایران". و از نگاهی دیگر رسیدن به خواسته ای که در زمان ترامپ محقق نشد و اینک با طراحی بایدن و تیم سیاست خارجی وی امکان تحقق خواهد یافت.
برنامه جامع اقدام مشترک(برجام) منعقد شده در سال ۲۰۱۵ میلادی، از جمله مهم ترین رخدادها در زمینه پرونده هسته ای ایران بوده است که خود مراحل و موضوعات مختلفی را در طول انعقاد و سپس اجرا شاهد بوده است.
از مهم ترین نکات در متن و روح آن می توان به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل اشاره نمود که بر اساس آن آژانس بین المللی انرژی اتمی بعنوان نهاد صلاحیت دار با هدف نظارت بر اجرای تعهدات ایران به موجب برجام تعیین و به رسمیت شناخته شد.
ظهور ترامپ در ایالات متحده آمریکا نه تنها در ارتباط با این موضوع، _ پرونده هسته ای ایران و به خصوص برجام _ بلکه نظام روابط بین الملل پدیده ای ویژه و منحصر به فرد به شما می آید که خود بر روند اجرای برجام پس از انعقاد آن تاثیر فراوانی داشت و این پیمان را تا مرز فروپاشی نیز هدایت نمود. پدیده و خاص بودن ترامپ با جمیع اقداماتی که در زمان حضور وی در کاخ سفید صورت گرفت نگاهی واقع گرایانه و نه نوعی ناسیونالیسم فکری از دید نگارنده مطلب خواهد بود.
انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا پایان دوران ترامپ و وعده ایجاد رویکردهایی متفاوت از سوی بایدن و ایالات متحده و در نتیجه عرصه روابط بین الملل را به عنوان نتیجه نهایی خود حاصل نمود که از آن جمله می توان به وعده ی بایدن مبنی بر بازگشت به برجام اشاره نمود.
نیاز به بیان و در نظر گرفتن برخی موارد و تجمیع آنها برای فهم منطقی و صحیح تر موضوع ضرورت می نماید.
نخست آن که آن چه در شرایط حاضر شاید از آن اغفال می شود تهدیدی مبنی بر ایجاد اجماعی جدید علیه منافع کشورمان در عرصه روابط بین الملل است، دقیقاً همان موضوعی که حداقل ترامپ در تحقق واقعی آن ناکام ماند. شاید ترامپ در زمینه ایجاد فشار حداکثری به ایران به زعم خود موفق عمل نموده است اما در زمینه ایجاد اجماع بین المللی بر سر برجام ناکام مطلق بود. نباید از نظر دور داشت که برجام حاصل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و رای قاطع ۱۵ عضو این شورا بوده است و از دیگر سو نیز قطعنامه ۱۹۲۹ همین شورا نیز اگر چه با اجماعی حداکثری حاصل نشد اما در نهایت با ۱۲ رای مثبت اعضای این شورا از جمله هر ۵ عضو دائم، دو رای مخالف شامل برزیل و ترکیه و یک رای منفی توسط لبنان بدلیل گذر از شرط ۹ رای مثبت و بخصوص ۵ رای موافق اعضای دائم شورای امنیت بعنوان شرط تصویب نهایی آن، ایران را ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل و شدیدترین تحریم های بین المللی قرار داد و در حقیقت وجود اجماع این موضوع را حاصل نمود.
یقیناً مقاومت تاریخی و بی نظیر ملت ایران در مقابل زیاده خواهی ترامپ در دوران زمامداری وی در عدم حصول نتیجه نهایی یعنی تسلیم ایران غیرقابل انکار است، اما از دیگر سو نیز عدم اجماع جهانی در زمینه همراهی با این کشور نکته ای است که در این ارتباط بسیار حائز اهمیت خواهد بود و در این میان خردورزی ایران در عدم خروج عجولانه و احساسی از برجام امروز بیش از پیش به عنوان بردی ارزشمند در رویکرد سیاست خارجی و روابط بین الملل کشورمان جلوه نمایی خواهد نمود.
دیگر نکته آن که بایدن و تیم همراهش روابط بین الملل را به خوبی فهم نموده و در این عرصه خبره اند و بر این اساس بر ضرورت ایجاد اجماع در هر امری از جمله موضوع برجام و پرونده هسته ای و به طور کلی موضوعات مرتبط با ایران کاملاً واقفند چه آن که نه آمریکا آن هژمونی سابق در نظام بین الملل را داراست و نه اینکه اروپا از موضوع برجام نه بدلیل ماهیت شکلی بلکه ماهیت محتوایی آن به راحتی گذر خواهد کرد.
اروپا در واقع برجام را بردی ارزشمند برای خود و کسب اعتبار در عرصه روابط بین الملل برای قاره سبز ارزیابی نموده و بر احیاء و حفظ آن تاکید خواهد نمود و این موضوعی است که بایدنِ دیپلمات بر آن فهمی واقعی خواهد داشتَ اما آنچه امروز به روشنی مشخص شده است هویدا شدن نشانه هایی از همراهی بیشتر اروپا با تیم بایدن است که به جای خود جای بحث و تبیین ویژه ای خواهد طلبید.
بحث دیگر آن که شکل گیری واقعی و عینی نظام بین الملل چندجانبه در قرن حاضر بیش از هر زمان به خوبی در سالهای کنونی در حال رخ نمایاندن است؛ از قدرت گرفتن چین که حتی گاه چنین عنوان می گردد که برخی قدرت های مقتدر اروپایی نظیر آلمان و تا حدودی فرانسه را نیز همراه و حتی متحد خود نموده است تا تلاشهای روسیه ی پوتین برای شکستن استیلای قدرت ایالات متحده و بسیاری نمونه های دیگر را نیز می توان در این زمره تعریف نمود. بر این اساس ایالات متحده بیش از هر زمان بر وجود اجماع در پیشبرد اهداف خود جهت حفظ هژمونی در نظام بین الملل تاکید خواهد نمود.
نمونه تاریخی و ملموس جایگاه اجماع در روابط بین الملل، شکست جامعه ملل که پس از جنگ جهانی اول با هدف جلوگیری از رخدادی چون جنگ جهانی اول شکل گرفت خواهد بود که دلیل اصلی ناکامی آن به یقین عدم حصول نتیجه در ایجاد شخصیت بین المللی موثر برای این سازمان و عدم صلاحیت نهایی این سازمان بود و از جمله عدم حضور ایالات متحده در این سازمان را نیز می توان مورد اشاره قرار داد که در نهایت وقوع جنگ جهانی دوم پایانی بر حیات جامعه ملل و پس از جنگ جهانی دوم تشکیل سازمانی با اجماعی جهانی تحت نام سازمان ملل متحد را حاصل نمود.



با ذکر نقش و جایگاه ایجاد اجماع در عرصه روابط بین الملل در شرایط حاضر و حاکم بر نظام بین الملل، به نظر می رسد مهم ترین موضوع کنونی در زمینه حفظ منافع کشورمان تلاش جهت عدم ایجاد اجماعی بین المللی بر علیه کشورمان است.
نگارنده مطلب معتقد است توافق اسفند ماه ایران با آژانس در زمینه چگونگی همکاری آژانس با ایران که در ابتدا به عنوان نهادی صلاحیت دار در زمینه پرونده هسته ای ایران و برجام بدان اشاره گردید، را میتوان در این مسیر تعریف و ارزیابی نمود، چرا که اگر چه موضوع پادمان و پروتکل الحاقی به لحاظ حقوقی دو موضوع مجزا در چارچوب اسناد مورد استفاده در زمینه نظارتهای آژانس بر فعالیت اعضا می باشد و ایران صرفاً بصورت داوطلبانه و موقت پروتکل الحاقی را پذیرفته است، اما همین موضوع نیز می توانست در صورت عدم درایت بعنوان دستاویزی برای ایجاد فشار مضاعف و حتی در نهایت تشکیل اجماعی علیه ایران در عرصه روابط بین الملل مورد استفاده قرار گیرد.
تشکیل سبدی نظیر یک پرتفویی متفاوت اما هوشمندانه در عرصه سیاست خارجی ایران می تواند راهکاری منطقی و بر اساس مصلحت و تدبیر در رویکرد روابط بین الملل کشورمان لحاظ گردد، چرا که به عنوان مثال خصومت تاریخی اعراب با اسرائیل و روند کنونی صلح آنان با این کشور و نیز رویکرد جدید روسیه در قبال عربستان و تغییر رویه در زمینه ایجاد اتحاد بخصوص در ابعاد نظامی با این کشور که تا چندی قبل دو کشور متخاصم با هم تعریف می شدند، این ضرورت را بیش از هر زمانی برای کشورمان نیز اجتناب ناپذیر می نماید.
در نهایت آن که آن چه مصلحت و منفعت ملی هر کشور در نظام بین الملل را حاصل خواهد نمود باید به دور از مجادلات و تحولات داخلی آن کشور مدنظر قرار گیرد و این امر در ارتباط با کشورمان به عنوان عضوی از نظام بین الملل نیز صادق خواهد بود و نگارنده مطلب عمیقاً بر این نکته اصرار دارد که غفلت از ایجاد اجماع علیه کشورمان در ابعاد منطقه ای و بین المللی به همان میزان که احیاء یا عدم احیاء برجام در رویکرد سیاست خارجی ایران بر دیگر مباحث جاری ارجحیت دارد، دارای اهمیت و جایگاه ویژه ای خواهد بود و باید بر آن تدبیر و تمرکز ویژه نمود.

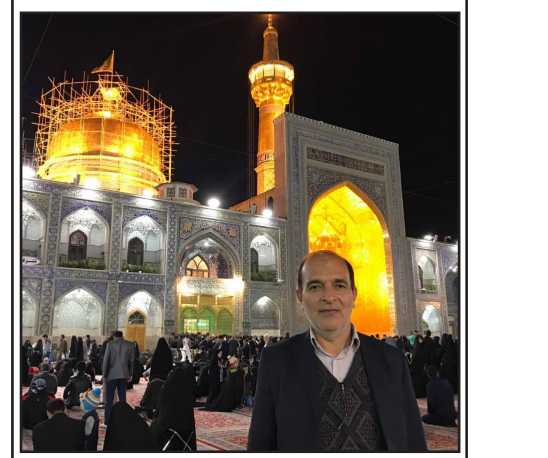
اجتماعی
شماره ۹۷۰ شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۰
NASIM JANOUB

در سوگ حسین خمیسی

بدرود ای یار یگانه

مسعود شکوهی

جای پای رفتگان هموار سازد راه را
مرگ را داغ عزیزان بر من آسان کرده است! (صائب تبریزی)



حاج حسین خمیسی هم آسمانی شد. به همین سادگی و در ناگهانی ترین شکل...
غلبه اندوه این خبر در تمام جانم رسوخ کرده و تمام تاب و توانم را حتی برای تسلی دادن سلب کرده است. درک دوری ابدی از دوستی دیرین که بیش از سه دهه چون برادری بزرگ و دلسوز به من نزدیک بود، بسیار دشوار است، اگر نگویم که غیر ممکن است.
دقیقاً یادم نیست که کی و چگونه من و حسین با هم آشنا شدیم اما هر چه بود، مربوط به ابتدای دوران مدیریت ایشان در کانون امام خمینی(ره) بوشهر بود. این دوستی به اقتضای حضور من در امور تربیتی شهرستان بوشهر بیشتر شد و هرچه زمان گذشت، بر عمق آن افزوده گشت.
حسین متولد آبادان اما مثل اغلب آبادانی ها بوشهری الاصل بود. دل‌بستگی او به بوشهر چنان بود که تا قبل از جنگ تمام تابستان‌هایش را در بوشهر می گذراند.
جنگ او را بالاجبار ساکن بوشهر کرد و در واقع به زادگاه آبا و اجدادی‌اش برگرداند. اما پیامدهای جنگ و آتش افتادن در شهر و دیاری که او کودکی و جوانی‌اش را در آن سپری کرده بود و اعتقاد عمیقش به آرمان‌ها، از همان روزهای نخست جوانی او را به جبهه‌ها کشاند و تا مرز جراحت و جانبازی پیش برد و بعدها نیز این اعتقاد و ایمان چنان در جان او ریشه زد که تا آخرین لحظه‌های حیات پربارش نیز در وجود نازنین او باقی ماند.
ارادت حسین به شهدای انقلاب و جنگ به‌ویژه دوستان شهیدش و حسرت جاماندنش از قافله شهدا، مثال‌زدنی بود. این ارادت و اعتقاد تا بدان‌جا بود که در سال های اخیر حتی وی پایان‌نامه کارشناسی ارشدش را هم موضوع شهید و شهادت قرار داد. به‌خصوص او علاقه‌ای عجیب و عمیق به شهید محمود پیکر داشت.
بعد از استقرار دولت اصلاحات، وقتی حسین از مدیریت مدرسه به‌عنوان رئیس آموزش و پرورش جزیره خارک منصوب شد، برای معارفه اش به عنوان رئیس آموزش و پرورش خارگ رفتم.
او پس از یکی دو سال به ریاست آموزش و پرورش جم منصوب شد و بعدها که از ریاست آموزش و پرورش شهرستان جم با درخواست خودش استعفا داد، متواضعانه دعوت مرا برای تصدی مسئولیت امور تربیتی استان پذیرفت و بیش از سه سال در این سمت با من همکاری صادقانه کرد.
او از جمله مردان به‌راستی مؤمن، صادق و خالص و صمیمی بود. همین روحیه و چهره معصوم و نجیبش موجب می‌شد که خیلی زود در دل افراد جا باز کند و با آنها صمیمی شود.
در فعالیت‌های سیاسی نیز حسین مصداق خلوص و صداقت محض بود. او در فعالیت‌های سیاسی، دنبال هیچ منفعت و غنیمتی نبود و بدون هر چشمداشتی، بی ادعا و بی سر و صدا پای کار فعالیت‌های سیاسی می‌ایستاد و از هزینه دادن نیز باکی نداشت. همه‌ی کسانی که همانند من حسین را می‌شناسند، بر این موضوع شهادت می‌دهند که او تا چه اندازه در زندگی شخصی و اجتماعی اهل احتیاط و حلال و حرام کردن بود.
شخصیت موقر حسین، برازندگی ظاهرش، نگاه نجیب وی، طنین آرام صدای او در وقت سخن گفتن و خنده‌های بلند و بی‌ریایش، به او جاذبه‌ای خاص می‌داد و هر دوستی را شیفته‌اش می کرد.
هفته پیش وقتی شنیدم که به کرونا مبتلا شده است، با او تماس گرفتم. وقتی گفت که تحت نظر پزشک است و در حال درمان در خانه و بستری‌های موقت، به بهبودی‌اش امیدوار شدم به‌خصوص که از نظم و پای‌بندی او در حفظ سلامتش خبر داشتم.
دریغ و افسوس که هرگز گمان نمی کردم که آن تماس، آخرین گفت‌وگوی من با این یار عزیز و یگانه ام باشد، اما چه می‌شود کرد جز پذیرش تقدیر و رضا دادن به این مصیبت جانکاه و این‌که در آستانه‌ی تاسوعا و عاشورای حسینی برای او که سخت دل‌بسته‌ی امام حسین(ع) و ابوالفضل(ع) بود و سیاه‌پوشی در این ایام را بر خود فریضه می‌دانست، محشور شدن با سید و سالار شهیدان و علمدار کربلا را درخواست نمایم و خطاب به او بگویم که بدرود ای یار یگانه و دیدار به قیامت؟!
همچنین به خانواده ارجمند و مصیبت دیده‌اش به خصوص همسر صبور ایشان، همکار گرانقدرم سرکار خانم گمرکچی و فرزندان شریفش حاج محمد، فاطمه و علیرضا و نیز برادران و خواهرانش صمیمانه تسلیت می گویم.
یادش گرامی و نامش جاودان باد.

موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوران معاصر

دکتر حمیداسدپور



مقدمه: بندر بوشهرشبه جزیره ای است که در جنوب غربی ایران و شمال شرقی خلیج فارس جای گرفته و مساحت آن ۹۸۴ کیلومترمربع است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی بیش از ۲۳۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد. (www.amar.org.ir) پیشینه تاریخی بوشهر به عهد تمدن ایلامیان می رسد و آثاری از آن دوره در بندر بوشهر بدست آمده است(کامرون جورج،۹۷؛۱۳۶۵) کهن ترین سندی که نشان از وجود خط و کتابت در فلات ایران را بدست می دهد در بوشهر بدست آمده که متعلق به دوره ایلامی ها است و سابقه آن به هزاره دوم پیش از میلاد مسیح میرسد(پزارد موریس،۱۲۳،۱۳۸۴). در دوره ایلامی ها بندر بوشهر را لیان می نامیدند (وثوقی محمدباقر،۱۳۷،۱۳۸۴). در عهد هخامنشیان لیان همچنان نقش بندری و تجاری خود را حفظ کرد و دولت هخامنشی در پس کرانه های لیان ، شهر تموکن که نام دیگر آن تااوکه است را در محل فعلی برازجان تاسیس کرد. (اسدپور۴۴:۱۳۹۵) در دوره ساسانیان نیز بندری نوبنیاد در شبه جزیره بوشهر ساخته شد که تاسیس آن را به اردشیر بابکان نسبت می دهند.(مظفری زاده،۴۳:۱۳۹۵)
بندر بوشهر کنونی بندری جدید و شهری نوبنیاد است که حدود سیصد سال پیش در عهد نادرشاه افشار تاسیس شد و مدتی هم بندر مبارکه نادریه نامیده شد(لکهارت،۱۳۱،۱۳۵۷). قبل از تاسیس بوشهر شهر ریشهر که در جنوب شبه جزیره قرار دارد مورد توجه بود. تاسیس بندر بوشهر نتیجه اراده نادرشاه برای ایجاد کانون تجاری و نظامی جدید در خلیج فارس بوده است. (اسدپور۳۴۴،۱۳۹۷) بعد از نادر شاه و در عصر کریمخان زند بندر بوشهر همچنان به ترقی خود ادامه داد. حکام محلی بوشهر به منظور کسب موفقیت در رقابت تجاری با سایر بنادر و مراکز تجاری خلیج فارس، زمینه های مساعدی را برای جذب بازرگانان و دریانوردان بوجود آوردند و بدین ترتیب جایگاه بوشهر رفته رفته تقویت و مستحکم شد. به موازات افزایش اهمیت تجاری و دریانوردی تجاری در بوشهر، جایگاه سیاسی و اداری و نیز نظامی بوشهر در دوره قاجاریه ارتقا یافت. بندر بوشهر از عصر زندیه به محل سکونت و حضور نمایندگی کمپانی هند شرقی و سپس نمایندگی مقیم بریتانیا در خلیج فارس و یا همان رزیدنسی Residency بدیل شد که بعدا به کنسولگری انگلستان تغییر یافت. نمایندگان بریتانیا از ۱۷۶۳ میلادی تا ۱۹۴۶ میلادی در بوشهر حضور داشتند. (برومند صفورا،۴۱،۱۳۸۱) هلندیان نیز درسال ۱۷۳۸میلادی در بوشهر دارای دفتر نمایندگی تجاری بودند اما پس از قتل نادرشاه این دفتر تعطیل شداسدپور،1397،351). بعد از ماجرای هرات و تهاجم بریتانیا به جزیره خارگ و تهدید بوشهر، توجه مقامات قاجاریه به بوشهر خصوصا و خلیج فارس عموما افزایش یافت و این موضوع خود به افزایش اهمیت سیاسی و اداری و نیز نظامی بوشهر افزود. در بندر بوشهر علاوه بر بازرگانان ایرانی و مسلمان تجار غیرمسلمان اعم از ارمنی، یهودی، زردتشتی و غیره نیز حضور داشتند و به این ترتیب جامعه تجاری خاصی که گفتمان حاکم برآن مدارا و چندگونگی فرهنگی بود شکل گرفت. سعادت محمدحسین،۲۱،۱۳۹۰)

توسعه و مفهوم آن:
واژه توسعه همانا ترجمه کلمه Development درزبان انگلیسی است. Develop به معنای ظهور است (طالبان محمدرضا،۱۸۴،۲۴) درفرهنگ انگلیسی آکسفورد واژه Development به معنای بازشدن تدریجی و بارز شدن کامل اجزای هر چیزی آمده است(باتامور،۳۲۵،۱۳۵۷) با این وجود، تعاریف بسیار متعدد و متنوع برای مفهوم توسعه از سوی صاحب نظران بیان شده است. توسعه یک مفهوم علمی و اجتماعی است که ما به ازای عینی و تجربی دارد. توسعه تحولی چند بعدی است که البته ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن مورد تاکید تمام نظریه پردازان این حوزه است. آمارتیاسن، توسعه را فرایند گسترش آزادی واقعی که مردم از ان سود می برند می داند. (آمارتیاسن،۱۷۸،۱۳۸۶) البته وی نیز اذعان دارد که بیان تعریفی از توسعه که مورد قبول همگان باشد به هیچ عنوان موضوع ساده و آسانی نیست و بنابراین در مقدمه کتابش چنین می نویسد: این منظر از توسعه یعنی تاکید بر آزادی بشر با دیدگاه های تنگی که توسعه را با عناوین و معیارهایی چون رشد تولید ملی،



افزایش درآمدهای شخصی، صنعتی شدن، پیشرفت فناوری و یا مدرنیزه شدن مشخص می کنند در تضاد است. (آمارتیاسن،۱۱۳،۱۳۸۳) با تمام این تفاوت ها و تعارضاتی که بین صاحب نظران وجود دارد می توان گفت که هدف توسعه در یک کلام ارتقا کیفیت زندگی است. (ملایی مریم،۲۲،۱۳۹۵).
اگر توسعه را یک فرایند پویا و همه جانبه در نظرآوریم که طی آن جامعه از ایستایی و رکود دور شده و با انجام تغییرات ناگزیر، زمینه های پویایی و تکامل حیات فردی و اجتماعی اعضای جامعه را فراهم می کند آن گاه می توان باصراحت به این موضوع اشاره کرد که مهمترین نمود و مظهر این نوع از توسعه همانا در ابعاد اجتماعی و اقتصادی همراه با دسترسی عادلانه افراد به فرصتها و آزادی ها ظاهر خواهد شد.
بوشهر در عصر قاجاریه به علت شرایط وزمینه های موجود از اقتصادی پویا و اجتماعی فعال برخوردار بود اما در دوره بعد با بروز موانع این اقتصاد پویا و جامعه فعال دچار رکود و رخوت شد .بوشهر در مقایسه با سایر بنادر و کانون های تجاری خلیج فارس در عصر قاجاریه شهری بزرگ و پرجمعیت بود که از امکانات رایج آن روزگار بهره می برد. تاسیسات جدیدی شهری، امکانات فرهنگی، چاپ و انتشار روزنامه و کتاب بخشی از این امکانات بود. ورود و آشنایی مردم بوشهر با مظاهر جدید و مدرن همچون گمرک، پست، بیمارستان، تلگراف و تلفن و حتی فوتبال زمینه های ارتقاء سطح زندگی و خدمات را در بوشهر افزایش داده بود. به موازات این خدمات و امکانتات شهری، فعالیت های مدنی، اجتماعی نیز در بوشهر از سطح قابل قبولی در مقایسه با همگنان خود برخوردار بود. جامعه روشنفکری بوشهر، تجار و بازرگانان و حتی علما در عرصه فعالیت های مدنی و اجتماعی پیشتاز بودند و مشارکت داشتند. وقف و گسترش آن در این دوره از تاریخ بوشهر بی نظیر و بی مثال هست. همان اندازه که تجارت و اقتصاد بوشهر در آن دوره گسترش یافت وقف و اوقاف نیز گسترش یافت این در حالی است که بنا به اظهارات مقامات وقف در حال حاضر اوقاف در بوشهر ضعیف و نحیف است و دست اندازی و دست درازی به اراضی وقفی به شدت افزایش یافته است. (مدیر کل اوقاف بوشهر، هفته وقف،۱۳۹۷)
بوشهر در آن عصر شهری نسبتا توسعه یافته بود که بزرگترین معیار توسعه یافتگی آن همانا استقرار جامعه ای تجاری قدرتمند از یکسو و جایگاه بوشهر در اقتصاد ایران از سوی دیگر بود. این وضعیت باعث افزایش سطح زندگی در بوشهر و ارتقا کیفیت حیات اجتماعی شده بود اما از اواسط قرن بیستم میلادی این وضعیت دچار خدشه شد و با بروز علایم و موانع متعدد جایگاه بوشهر در اقتصاد ایران تضیف شد و بوشهر از امکانات زمانه دور افتاد و به شهری محروم و درجه سوم بدل شد. بر این اساس پرداختن به موانع توسعه بوشهر بدون توجه به زمینه ها و تحولات تاریخی امکان پذیر نمی باشد و این هدفی است که این پژوهش آن را دنبال می کند. درباره مساله این پژوهش و موضوع مورد بحث مطالعه ای صورت نگرفته و به طور پراکنده در مطبوعات محلی مطالبی انتقادی درباره محرومیت و عقب ماندگی نتطقه مطرح شده است اما مقاله یا کتاب و یا اثری که بطور ویژه به این مقوله و موضوع نقد و بررسی موانع توسعه بوشهر بپردازد وجود ندارد و این تحقیق نخستین تحقیق از این نوع است.

ادامه دارد...

با چراغ عقل و بینش گام برداریم

عبدالحمید دشتی‌فرد



محرم آمد و دهه اولش هم گذشت. این جانب که افتخارم مداحی اهل بیت مخصوصا امام حسین (ع) است باید به وظیفه ام عامل باشم. من وظیفه‌ام را در این ماه عزاداری همراه با حفظ سلامتی و شان مردم دیدم.
در این ماه و شرایط فعلی با همه‌ی اندوهی که از کمرنگ‌تر شدن عزاداری‌های پرجمعیت داشتم، روش و نظرم این بود که بر خلاف میل خودم و دیگر عزاداران، عمل کنم.
باید پروتکل‌ها را رعایت می کردیم و روش رهبر انقلاب را سرلوحه قرار می دادیم، رهبر ما مجلس را برگزار می کند اما نه مثل سالهای قبل.
من هرگز نخواسته و نمی خواهم که چراغ عزاداری امام حسین (ع) خاموش شود اما می خواهم عزاداران هم عزاداری کنند و هم سالم بمانند و هم شیرازه‌ی زندگی‌شان از هم نپاشد.
عاقلان می دانند و تایید می کنند که خواسته‌ی ما این بود که به علت عدم تجمع و شیوع گسترده‌ی بیماری کرونا، مراسم عزاداری پر جمعیت را تعطیل و عزاداری را با استفاده از ظرفیت فضای مجازی به خانه‌های مردم ببریم تا از هر گونه آسیبی مصون بمانند.
مشکل و نکته‌ی اصلی شاید این جاست که بنده تسلیم تصمیم سازانی که مردم نجیب را به مثابه رعیت نگاشته و حتی فحوای عزاداری را دیکته کرده و دور از شان عزاداران عزیز به آن‌ها نگاه ابزاری کرده‌اند، عمل نکرده و همواره سعی و کوشش خود را معطوف آزادگی و حریت را شاخصه‌ی روش اجرای مداحی نموده ام تا جایی که این عقیده باعث دستور حذف تصویر بنده گردیده است.
امید است همه‌ی ما با چراغ عقل و بینش گام برداشته و ابزار دست فرصت طلبان از خدا بی خبر نشویم.
حسین یار و شفا خواهتان باد.

دکتر امان الله شجاعی:

ایران در مقابل ناامنی منطقه توسط طالبان، باید هوشیار باشد



- به نظر شما، آیا افغانستان و کابل با توافق قبلی تسلیم طالبان شد؟
- بله، با توافق آمریکا، چین، روسیه و پاکستان.
- چرا؟
- زیرا که: پاکستان، مشکلات مرزی زیادی با افغانستان دارد و نیز خواهان منافعی دیگر در آن کشور است که تنها از دست نشاندگان برمی آید. اضافه بر آن، در این هماهنگی بین المللی، کشور پاکستان مجری عملیات بود و همکاری استخباری و مستشاری داشت.
-چین، نیاز به محیطی امن برای تجارت بین المللی خود در مسیر راه ابریشم دارد، و در این راه، هزینه های زیادی کرد که طالبان در افغانستان مستقر شوند و تامین امنیت نمایند.
- روسیه نیز، ایرانی ضعیف و ناتوان و گوش به فرمان را در ذهن می پروراند، تا بتواند با ضعف احتمالی این همسایه ی خود، از منابع و منافع منطقه ای و نیز کارت آنها در روابط بین الملل به خوبی استفاده نماید و بتواند ابرقدرتی اش را ادامه دهد.
- عربستان سعودی هم در مقابل یمن، روی افغانستان آینده به عنوان تحرکات نیابتی حساب کرده است.
-آمریکا و سایر کشورهای غربی نیز، که نتوانستند در طول ۲۰ سال افغانستان را به آن نحو که می خواستند مطیع نمایند.اکنون با قراردادی و بدون هزینه از اکنون به بعد، کشور را به طالبان داده اند تا همچون "آچار فرانسه ای" در خدمتشان باشند. این خدمت رسانی، گاهی به هم زدن تعادل در مسیر بازرگانی چین، گاهی نا امنی برای ایران و کشورهای مشترک المنافع طرفدار روسیه، گاهی هم، همکاری با این کشورها بنا به تقاضای آمریکاست.
امید که ما ایرانیان به هوش باشیم و منافع ملی را باز تعریف کرده و با اصلاح قانون اساسی، توسعه روابط بین المللی و توجه ویژه به توسعه و ترقی ایران، دژی محکم در مقابل هر تحرک نا همخوانی بسازیم.

به خود آییم و انسانیت را دریابیم

ناصر باستی



کرونا آمد و هر روز دریچه تازه ای از انسانیت را بست؛ همگان نیک می‌دانیم پاندومی کرونا هم اکنون چه شرایط تلخ و مصیبت باری رابر دوش مردم گذاشته و روزها و لحظه هایمان چه ناباورانه در انتظاری سخت و سنگین برا از دست دادن عزیزان سپری می‌شود،
در این مقوله قصد بر نقد مدیریت ناکارآمد نظام تصمیم سازی در حوزه سلامت و شیوه تصمیم گیری در مدیریت کلان کشور نیست که امروز نقل هر محفل و درددل هر دردمندی است.
لیکن حال که می بینیم هیچ امید و اراده ای برای برون رفت از این وضعیت فلاکت بار دیده نمی شود و افتخار نظام، بازی با رنگ های قرمز و سیاه حاجی فیروزی و شمارش موج های کرونایی است، به حکم عقل آدمی و روح انسانی، انتظارمساعدت و همراهی مردم رنج کشیده با یکدیگر و تلاش برای تامین مرهمی بر روی زخم های به عفونت رسیده مردم، فرضی ضروری و امری اجتناب ناپذیر می نماید، لیکن شنیدن خبرهای نفرت انگیزی، چون فروش واکسن تقلبی، احتکار سرم و دارو، صادرات اکسیژن، افزایش روزافزون قیمت کپسول اکسیژن و هزینه سرسام آور اجاره این کپسول ها، برگزاری مجالس سوگواری بدون هیچ قید و بند، هجوم مسافرت‌ها در تعطیلات، اجاره پلاکهای خودروهای متعلق به استان‌های گیلان و مازندران، اجاره کارت ملی شهروندان در شهرهای مقصد تفریح، مسافرکشی با ماشین های پلاک شهرهای شمالی کشور در ورودی ها و تا فروش هویج به کیلویی بیش از ۲۷۰۰۰ تومن، پیداست که این گونه از انسانیت بدور شده ایم.
کشورمان امروز، هم رکوردار تلفات و مبتلایان به کروناست هم شاهد بازار گرم حراج مفت جان انسانهاست، دیگر شرف و انسانیت رنگ باخته، وجدان و اخلاق و آدمیت رخت بر بسته و از سر حرص و طمع و مال اندوزی و کسب درهم و دیناری گرگ وار در حال دریدن همدیگریم و چه حیرت انگیز منادیان و مدعیان نجابت بخش و رهایی دنیا از جور و ظلم و بی اخلاقی و ساختن مدینه فاضله، از «لژ نشینان» دیدن این تراژدی و بزم محفلند. به خود آییم و انسانیت را دریابیم که دیگر فرصتی برای از دست دادن و وقتی برای هدر رفتن نمانده است.

بوعلی طبّ؛ سینای موسیقی!

برای یکم شهریورماه روز پزشک و حضور جاودانه و انسانمندانه ی پروفسور ایرج نبی پور



امیرحسام حق پرست: بوعلی در "قانون" به جوانب درمانی موسیقی پرداخته و با "جوامع علم موسیقی" در "شفا" مبانی و موسیقی شناسی ایرانی را شرح می دهد.
به نتیجه ی جسمانی و روانی موسیقی برای نوزادان و تعادل در نبض و رابطه ی آن با نغمات و ریتم در موسیقی اشاره می کند: "نبض؛ ضربان متوازن و متناسب موسیقایی دارد." نبض با نظم را مختلفِ مرتب و نبض بی نظم را مختلف نامرتب می نامد!
همین موضوع یعنی نبض را تا مرحله ای تبیین می کند و پیش می برد که وزن و ایقاع در موسیقی را از همین منظر تفسیر و تحلیل می کند: «کسی که در موسیقی و نواختن آن سررشته داشته باشد آن را [قواعد گرفتن نبض] آسان‌تر یاد می گیرد به ویژه اگر موسیقی و آن صنعت خود را با علم برآورده کند. چنین شخصی اگر در نبض خود دقت کند، می‌تواند این نسبت را در نبض گیری درک نماید.
در "جوامع علم موسیقی" موضوعات موسیقی شناسی ایرانی را مورد توجه قرار داده است. دوره ی ابن سینا را دوران موسیقی شناسی اسکولاستیک می نامند. او برای اولین بار به موسیقی شناسی ایرانی می پردازد و از این روی او را بنیاد گذار و پایه گذار مکتبِ موسیقی شناسی اسکولاستیک ایران می نامند.
تکامل مُدشناسی موسیقی ایرانی توسط ابن سینا از جمله مواردی ست که جدای از مباحث فارابی مطرح شده است که هشت مُد را توضیح می دهد که نام چهار مُد عبارتند از: رازی، مستقیمه، اصفهان، سلمکی و...
شیخ الرئیس موسیقی را به سیاق گذشتگان شامل دو بخش نغمه و ایقاع می شناساند.
در همان دوران اخوان الصفا در رسائل خود به سه نوع تناسب قائل اند: تناسب عددی یا کمی، تناسب کیفی و تناسب موسیقایی که شامل دو نسبت کمی و کیفی هم می‌شود. اخوان الصفا اگر به نسبت موسیقایی طبیعت قائل اند و درباره آن بحث می کنند به این دلیل است که در طبیعت هم نسبت‌های کمی وجود دارد و هم تناسبات کیفی. موسیقی شامل نغمه و ایقاع است و ما می‌توان در ایقاع نسبت‌های کمی و در نغمه نسبت‌های کیفی را مشاهده کنیم. در واقع موسیقی برآیند نغمه و ایقاع است. شیخ‌الرئیس در همه ی علوم حضور جدی دارد. وقتی وارد مباحث علوم مختلف می‌شود می گوید که «اینک مرد کو علم؟» اما وقتی به علم موسیقی می‌رسد، می گوید که «اینک علم، کو مرد؟» (منابع؛م.حجاریان،ب خضرایی)

دو نیمه یک پزشک

دکترسیروس عباسی



من یک پزشک هستم، دو نیمه ام؛ دو نیمه شده ام! نیمه ای پنهان و نیمه ای آشکار. آن سوتر، در نیمه پنهان خود، رازدار پیوندی ناگسستنی با پرودگار جهانیان. این سو اما با آشکار خویش در پی رمزگشایی از دردها و بیماریها و ارزیابی ها و درمان‌ها ...
نیمه پنهان مرا نه کسی میبیند و نه درک میکند.
نیمه پنهان من از همان روزی پنهان شد که پس از سه شبانه روز بیداری پاسخ تندخویی بیمار را در راند صبحگاهی با استادم با لبخند دادم ...!
نیمه پنهان من در آن شب سرد و طولانی یلدا ، خسته از کشیک پیوسته ؛پیشانی اش را گذاشت میان برگ‌های کتاب هاریسون و شوارتز !! و خوابید؛ پنهان شد...
آن سوی ناپیدای من در میان خون و بلغم آن بیماری پنهان شد که با شوک هیپولمیک آمد! معتادبود، هپاتیت و ایدز هم مشکوک ! اما کات داون ش کردم تا بعد سه روز در آغوش مادرش چشم باز کند...
نیمه پنهان من گاهی خسته میشود اما نیمه آشکارم همیشه محرم دلها و تن های خسته میشود. نیمه پنهان من گاهی زخمی و رنجدیده روزگار میشود، اما نیمه آشکار من پیوسته مرهم زخمها و آلام مردمان میشود.
نیمه پنهان من تشنه میشود ، گرسنه می شود، اما نیمه آشکارم پیوسته همراه و دادرسان فریادها و خواسته های خواهندگان و بیماران من است.
نیمه پنهان من فارغ از تمام نیازها و آمالش ، دست بسته و خاموش میماند ؛ تا نیمه آشکار من مسولانه، کوشا، دست بکار درمان باشد و با یاری پروردگار دستانش را به درمان بیمار بکار اندازد.
نیمه ناپیدای من فایل بایگانی تمام زشتی‌هایی است که میبیند! تمام حرفهای ناروایی است که می شنود؛ و تمام نارواهایی است که بر من و بر ما روا می دارند. آن سو بایگانی می کند تا این سو فارغ بال، به وظایف خویش در خدمت به خلق خدا پیوسته بماند.
من با نیمه پنهان خود می زیم، می خوابم، برمی خیزم، اما با نیمه آشکار خود بر بالین بیمارم حاضرم.
من در نیمه پنهان خود بارها می میرم تا زندگی ببخشم. من در نیمه پنهان خود، راه خواب بر چشمها می بندم تا در آشکار خود، خواب آرام و آسوده را به چشمهای منتظر هدیه کنم. نیمه پنهان من برای خودم و نیمه آشکارم برای تو، بیمار من. روز پزشک مبارک .



نسیم جنوب

nasimjonoub.com

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

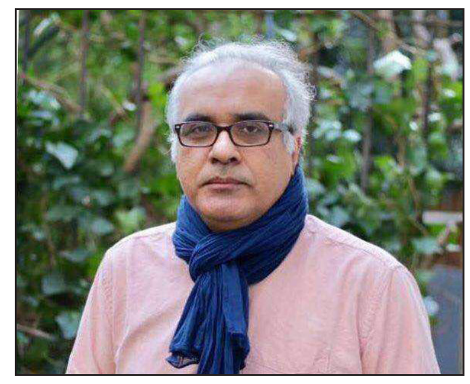
هفته نامه نسیم جنوب، دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

www.nasimjonoub.com

یادداشتهای ناپل (۱) ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۱

نبرد اسکندر با داریوش سوم در ناپل

علیرضا مشایخ - پاریس



دیدار از هر شهری که نشانه ای از رنسانس را در خود داشته باشد می‌تواند لذت بخش باشد. ناپل هم بخشی از میراث رنسانس ایتالیا را در خود دارد گرچه غنای آثار به جای مانده در این شهر به پای فلورانس نمیرسد ولی آن گونه که پتر بورک (۱۹۳۷) مورخ انگلیسی در کتاب پر جاذبه اش یعنی "رنسانس ایتالیا" می نویسد «ناپل به همراه فلورانس، پادوا، روم و بولوین گهواره های رنسانس یا جنبشی هستند که ما بعدها رنسانسش می خوانیم».

ناپل شهر خاصی است و در دوران رنسانس آنگونه که کارل جولیوس بلوش (۱۸۵۴-۱۹۲۹) مورخ آلمانی می نویسد با ۲۱۰ هزار نفر جمعیت یکی از پر جمعیت ترین شهرهای اروپا بوده است (بلوش ص ۳۲۷) ناپل و روم دو مرکزی بودند که نوع دیگری از مدنیت را گستراندند: سیستم اداری و بدنبال آن مرکزیت قدرت شکل گرفت. (بورک ص ۲۷۰)

در واقع موضوع اصلی در دولت شهرهای ایتالیایی در رنسانس (اول و دوم) آزادی انسانی بود و همواره با این اعتقاد میزیستند که آزادی (آزادی فردی) تجارت (اقتصاد) را شکوفا می سازد و این یکی فرهنگ را گسترش می‌دهد. (بورک ص ۴۱) برای همین مفهوم آزادی با اهمیت ترین مفهوم و حکومت فردی (تیرانی) ترسناک‌ترین مفهوم برای شهروندان دولت شهرها در ایتالیا از قبل از رنسانس بوده است.

ناپل بسان دیگر شهرهای باستانی ایتالیا دو بخش دارد: بخشی قدیمی و بخشی یکسره مدرن. طبیعتا زندگی در بخش‌های قدیمی جاذبه های زیادی برای مسافری که تازه وارد است، دارد. شهری با کوچه های تنگ و باریک و متداوم که انگار پایانی ندارند و هنگام گردش در آن ها احساس مشترک فراوان می‌توان یافت و همین حس مشترک می‌تواند سرچشمه اُخت شدن با شهری چون ناپل باشد. مسافری که وارد ناپل می‌شود خیلی زود و راحت پذیرفته شده و بیگانه بودن را حس نمی کند و این روح و خاصیت شهرهای ایتالیاست زیرا احساس بیگانه بودن در آن وجود ندارد.

اما از این ها گذشته شما از هر شهری می‌توانید یادگاری با خود ببرید ولی مطمئن باشید که ناپل از آن دست شهرهایی است که مردمانش همواره در خاطرتان خواهند ماند فقط و فقط به این سبب که می دانند چگونه از زندگیشان لذت ببرند. این جمله گوته در مسافرتش به ناپل در سال ۱۷۸۷ را می‌توان در این شهر با تمام وجود لمس نمود.



مسافرت به ناپل جزو برنامه های من برای سال ۲۰۲۰ بود یعنی زمانه ای که ویروس کووید تازه اهمیت یافته و مشغول تاراج جان انسان‌ها گردیده بود و مجبور شدم دوبار آن را علیرغم میل باطنی به تعویق بیاندازم. هدف اولیه دیدار از موزه هایی که آثاری از رنسانس را در خود داشته باشند مانند موزه کاپادیمنتو و یا کلیسای پیو مونته و گالری زوالوس برای دیدن دو اثر از کاراواجیو بود، اما چیزی که مسافرت را شورانگیز می نمود دیدار از نقاشی سرامیک متعلق به سال دوم قبل از میلاد مربوط به جنگ داریوش سوم و الکساندر بود. در کنار آن نیز مجسمه مسیح (معروف به مسیح پوشیده که از مرمر ساخته شده) در کلیسای سانسورو میتوانست جذاب باشد.

موزه باستانشناسی ملی ناپل

این موزه که بیش از دویست سال از آغاز بکارش می گذرد از اصلی ترین برنامه های دیدار من بود. در واقع تنها دلیلی که این موزه را برای من جذاب می ساخت وجود یکی از قدیمی ترین آثار مربوط به ایران بود.

تابلوی نبرد اسکندر با داریوش سوم احتمالا سیصد سال قبل از میلاد کشیده شده است. نقاش اصلی اثری احتمالا فیلوکسن درتری (Philoxène d'Érétrie) بوده و پس از او و آن گونه که پلن انسین (م ورخ و نویسنده رومی ۲۳ -۷۹ م) می آورد زنی نقاش با نام هلن مصری (نقاش قرن چهارم قبل از میلاد) در درجه دوم قرار دارد (ایو پرین ص ۹۳).

ورژن سرامیک آن که در این موزه موجود است از روی همین نقاشی مفقود شده در سال ۱۱۰ قبل از میلاد کپی شده است.

در سال ۷۹ بعد از میلاد و پس از فوران آتشفشان وسنوو واقع در منطقه، تمام شهر پمپئی زیر خاکستر مدفون می شود. اطلاعات موجود از آثار مدفون شده حداقل نزد اهل فرهنگ ناشناخته نبوده و چه بسا تلاش‌های زیادی برای آغاز کاوش های باستانشناسی در این منطقه روی داده باشد.



از سال ۱۷۴۸ حفاری‌ها آغاز گردید ولی به صورت جدی‌تر در سال ۱۸۰۷توسط فرانسویان دنبال گردید تا این که در سال ۱۸۳۱ این منطقه از زیر خاک بیرون می آید. نقاشی سرامیک این اثر در منزل یکی از اشراف زادگان با نام فون کشف می شود (در ابعاد ۳.۱۳ در ۵.۸۲) که نخست بر روی زمین قرار داشته (پمپئی ص ۱۸۴) و بدنبال آن از روی زمین کنده شده و در موزه بسان دیواری در معرض دید قرار می گیرد.

اقتدار پزشک و پزشکی

(بمناسبت اول شهریور- روز پزشک)

دکتر سعید معدنی



از دیر باز پزشکی و طبابت شغلی مهم و قابل احترام، و از اهمیت فراوانی بر خوردار بوده و هست.

در متون ادبی و اشعار ما به پزشک و طبیب اشارات فراوانی شده است. مثلا حافظ شیرازی پزشک را فردی می داند که ناز می کند! و در مقام دعا برای معشوق اش دعا می کند:

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد!

طبیب سلامت آحاد جامعه را مراقبت می کند، به همین دلیل پزشکی اهمیت می یابد.

در جامعه قدیم غرب، سه گروه از اهمیت و اقتدار بالایی برخوردار بودند: پادشاه،کشیش(روحانی) و پزشک.

اما با توجه تحولات غرب و مدرن شدن آن و ازجمله رنسانس،انقلاب صنعتی و ظهور و بروز دمکراسی از اقتدار حاکم و کشیش کاسته شد ولی پزشک همچنان قدرتمند ماند.

از فقیر و غنی، ارباب و رعیت، پادشاه و مردم عادی، همه و همه به پزشک نیازمندند وشاید تنها دانش بشری است که به این اندازه اهمیت دارد.

سالها قبل سریالی خارجی به نام "دیار فراموش شده" از تلویزیون پخش می شد که در آن پزشکی به روستا تبعید می شود این پزشک ضمن آموزش و تربیت کودکان، نعمت طبابت را نیز به دیار فراموش شده و مردمان فقیرش هدیه می کند. هنگام دیدن این فیلم با خود می اندیشیدم که مثلا اگر یک فیزیکدان، ریاضی دان و یا استاد جغرافی و ادبیات و ... به جای پزشک تبعید شده بود چه قدر می توانست به این مردم محروم از همه چیز کمک کند؟ بی شک هیچ کس با همه خدماتش نمی توانست جای پزشک و درمان را بگیرد.

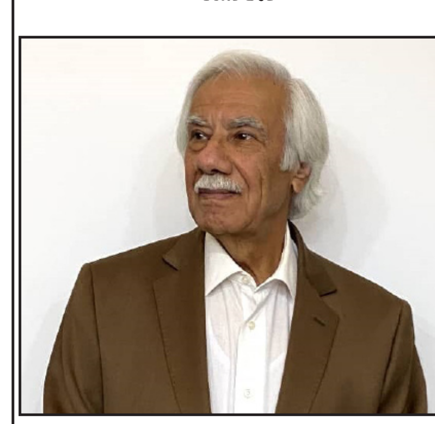
البته اخلاق فردی و انگیزه پزشک نیز مهم است. پزشکانی هستند که به لحاظ انسان دوستی در ذهن و خاطره یک نسل به یادگار می مانند اما پزشکانی نیز هستند که با حرص و آز صرفا به مادیات و جمع آوری ثروت می اندیشند، نه چیز دیگر.

مرحوم دکتر علی شریعتی در یکی از سخنرانی هایش می گوید: یک پزشک در دهه های سی و چهل شمسی، سالها در روستای مزینان-زادگاه شریعتی- و روستاهای محروم آن منطقه (استان خراسان) طبابت می کرد موقع ترک آن جا با ثروتی که گرد آورده بود می توانست تمام روستاهای آن منطقه را بخرد!

در میان پزشکان مثل همه اقشار انسان های خوب و بد داریم اما با این وجود؛

روز پزشک بر همه پزشکان مبارک باد!

گمگشته



غزلی از عبدالمجید زنگویی

شعرم، شررم، شعورم و فریادم
هم سازم و هم هنر، ولی ناشادم
گلبانگ شدم که آورم شادی و شور
ماتم که چرا به بند غم افتادم
ماهور و بیات ترک، دل خواست، ولی
دیدم که به شور و گوشه ی بیدادم
اندیشه وری به جز عذابم نفزود
وقتی که اسیر عرصه ی اوتادم
با تیشه نکندم رگه ای از کهسار
در عشق اگرچه همتک فرهادم
ترسم که به روزگاردل- خستگی ام
آفات شرور برکند بنیادم
عمری بدویدم پی عشقی و کنون
گمگشته ی صحرای جنون آبادم



محسن قیصی‌زاده

دیروز بمب می‌بارید
و اینک
انسان می‌بارد
از کویر آسمان آهنیِ سرزمینِ شیطان‌زده.
دیرسالی‌ست
زلال بی‌رنگِ باران
خشکیده در باورِ ابرهای بی‌بخار
دیار ندبهَ و افغان و نفرینَ.
برای رویشِ ترانه و علف
گاهِ آن استَ
خدا از آسمان ببارد!

برای برادرم حسین خمیسی که گاه رفتنش نبود...

اسماعیل منصورنژاد



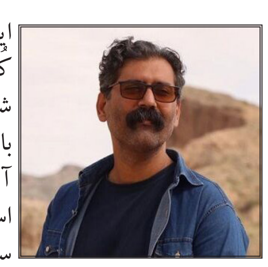
از لای درد، صدای شکستن بغضی بی‌صدا، پیچید میانهٔ هُرم تنهایی و... آهی شد در امتداد خط دلگیر غروب؛ آن‌جا که هزار راز پنهان در آخرین بارقهٔ کم‌جان تلنبار می‌شود بر پهنهٔ زمین و... چشمانت نم‌نمک سرابی می‌سازد میان هزار نگاه، هزار حرف ناگفته و... هق‌هق بی‌امان در ناکجاآباد تنهایی، وقتی دستپاچه می‌شوی و با صدای بلند فریاد می‌زنی: برارُم، برارُم، برارُم...

مان و راویانِ ریتم ...

به انگیزه و احترام هنر نوازندگان و روایتِ راویانِ دیرینِ دمام در بوشهر

و با یاد و نکوداشتِ زنده یاد بمان باباحاجی (عامو بمون)

حماسه حق پرست



اینِ که دمّام، با کُدامین غُراب و بومِ شراعِ بَرکشیده ای یا با کدامِ کپتان کشتی آهنین و با چند صد اسب بخار از آن سوی زنگبارِ و ملیوار و بومیانِ کُدام پهنه از درازای قاره ای دیگر و دقیقا در چه زمانی به بندر بوشهر رسید و در خانه و کاشانه ی سرنشینانِ غیربومی سُکنا گزیده در محلات مجاور و چسبیده به ساحل و آبیِ دریا و البته دمِ دست ترین نقطه به تجارتخانه های شهر جای خوش کرد برای وقت و زمانی مناسب؛ چندان محل مجادله و موضوع مباحثه ی این نوشتار نیست!

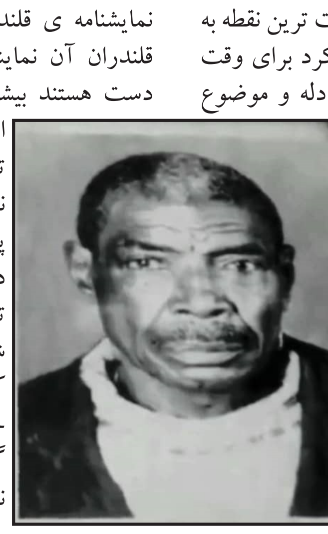
به هر روی کافی بود تا با هر بوم و غُراب، غریبانِ مهاجر با فرهنگ و رسم و سنن و آیین های قوم و تبارِ دیارِ خویش در جغرافیایی نو رَحل اقامَت بیافکنند تا به قول جاوِدان یاد استاد ابراهیم باستانی پاریزی روند تاریخ تغییر نماید و دوباره تشکَیل شود با اجزا و اضلاع سه گانه ی خود که همان انسان و زمان و مکان است.

مهاجرین وارده به بوشهر اما، با خزانه ای گران و گرامی از سرزمین ریتم و ضرب و کوبه ای ها آمده بودند. با یک فرهنگ موسیقایی کاملا کوبه ای که اصل و اساس ساختارِ بیان معتقدات و ذهنیات و مخیلات و باورهایشانَ در ریتم هایی کوبنده و آوازهایی گروهی می توانست خلاصه شود چنان چه تو گویی هر نوزاد و نوباوه ایش بیش از آن که سخن گفتن را بیآغازد با ریتم و روند و روالِ اجرای کوبه ای ها آشنا و دمخور می شود.

و همین تبار با تمام توان و داشته ها و حس و حال و هوای زیست و زادگاهِ خود با فرهنگ و هنر بومیانِ شبه جزیره ی بوشهر درآمیخته و هموَند شدند تا در کوتاه ترین زمان ممکن برآیند این اقامت تاریخی و زیست مشترکشان با بومیانِ مهمانپذیر در یک بده/ بستانِ فرهنگی و اجتماعی بشود ؛ سنج و دمام...! و یا شایَد هم کشف و شهود زبانی مشترک بود برای دردی مشترک!

از آن هنگام دمام می شود فصل الخطاب گفتگویی دو سویه و دوجانبه با درد و درمانی مشترک در متن و بطن ناگواری های زندگی و گذر روزگار و گذشتِ عمر در رویارویی با ناملایمات دوران...

دمام میَ نوازند و با تمام توان و قدرت خویش بر آن طبل دوسویه می زنند و می کوبند با چوب و دستانی که گویی بغض ها نهان داشته در پسِ پُشت هر ضربه ی چوب و دست تا پیوند و گره خوردگی اش پیش درآمدی شود برای رسم و آیینی دگر که با ضرب سینه ها و نوحه ها پاس داشته می شود تا آن جا که لَختی آن سوتر این شورانگیزی دمام هاست که آغازگر رسمی نمایشنامه ی قلندرخونه می شود و با هنرنمایی قلندران آن نمایش، که خود نوازندگانی چیره دست هستند بیشترین و تاثیرگذارترین موسیقی از همان آغاز بر ذهن و اندیشه ی تماشاگران و مخاطبین، روی می نمایاند.



پرسش این جاست اما ،که دمادمِ دمام هایی که از دلِ این رهگذارِ تاریخی و در جغرَافیای بوشهر شنیده می شوند به راستی با کدام آموزه های ریتمیک و وزن خوانی عجین و آموخته و آمیخته گشته اند؟!

نوازندگان کوی و برزن که در مهارتی به تمام و رُعایتی به کمال دمام را در کوبه ای ترین وجه نواختاری خود می نوازند تا لحن و لهجه ی درآمیختگی تاریخی اش حالا جغرافیای بوشهر را به رُخ همگان کشاند با آن آناکروسیس های (ضدضربَ) معروفِ اشکونِ در تب و تابِ ماندگارِ بمان، که مانده است برایَ همیشه در تارِیخ موسیقی بوشهر با آن درکِ درست موسیقاییِ همزاد و همراه همیشگی اش...

و چه استادانه بر متر و الگوی دوضربی دمام نواختند و ضرب و ضدضرب و سنکوپ ها را با دستی ضعیف و چوبی قوی ساخته و پرداخته نمودند تا با بهم ریختن نظم زمانی دیرینگیِ موسیقاییِ خاستگاهِ کشتی نشسته گان و ساحل نشینانِ چشمَ به راه غُراب را در بزنگاه تاریخی سنج ها و دمام هایشان، کماکان نواخته شود هر چند از دایره ی ادراک درونی و اجرای راویانِ راستین دیرسال دمام، دور و دورتر می شویم.

یاد آن راویِ دیرین بِمان، بمانَد برای همیشه ی روزگاران...

مردانی از تبار آفتاب

برای سه معلم، روانشادان داریوش پوربهی، غلامحسین احمدی و غلامعلی رضایی واحد



هادی اخلاقی

تلخای تیره ترین ترانه های جهان را پنداری
که در بن گوش های گنگ من، به غیبت نشسته اند
دریغا زمزمه مظنون من!/ دریغا تکلم بی سرانجام شادی! (سیدعلی صالحی)

این روزها که می آیند و می گذرد هر دم غم کوچ نابهنگام عزیزی بر غم هایم افزون می شود. این روزها که می آیند هر آن خبر دردناک پر کشیدن آشنایی، آفتاب برآمده را بی رنگ تر می کند. آنان که رفته اند و می روند خود هر یک آفتابی بودند که جهانی و جان هایی از وجود خویش روشن می کردند و غروب ناگاهشان، که اشک ها بر دیده ها نشانده و حسرت ها بر دل ها افکنده، اینک، جهانی درد برجای گذاشته است.

"درد ماند درد را / شب، به شب ماند / هرچه افسون همانندی ست / آن بدین یک / وین، بدان ماند/ شب به شب / دریا به دریا/ آسمان، با آسمان..."

اکنون که این قلم بر کاغذ جاری است حسرت نبودن و ندیدن مردانی از تبار آفتاب تا همیشه، بر من و بسیار دوستان و دوستدارانشان سنگینی می کند. آنانی که من می شناختم مردانی بودند از جمع نیک مردان و خوشنامان دیارم که از جنس باران بودند. باغبانان سپیده دمان که به طرز غریبی برادران دانای دریا بودند و همان ها که از پی ماه به دریا شدند و به قول لورکای شاعر... "شدند و باز نیامدند".

"آن دست های سبز، فراوان نشانده اند/ بر بی کرانگی،/ از بوته های سبز، بهاری عظیم را:
زمین زیر پای من/ از این کرانه، سبز!
تا آن کرانه، سبز! " /م.آزاد/

اکنون چند ماه و چند روز است که از این سال پرنکبت رفته است. سال بد به قول شاملوی کبیر. سال اشک. سال بی باران. سال مرگ. سال مردن. سال خشکیدن درختان هزارساله ای که سایه گستران تاریخ بودند. سال باد. سال بی برگی. سال تلخ. سال مرگ. سال مردن.

"سوخته جانی ام، نشسته به درد / سر، گرانبار یاد یار و دیار/ برگ آهنگ خان و مانم نیست / زین خزان خموش جان آزار" /م.آزاد/

فرود این شب اندوهناک، جهان تلخای تیره ترین ترانه های تاریخش را، دگربار، سرودن آغاز کرده است. ترانه ای به طعم طاعون و مرگ. ترانه ای تلخ تر از مرگ که هردم خانه ای و آدمی و دلی ویران می کند.

و از میان این همه، اینان که رفتند هر یک، یک تن بودند در هزاران دل. اینان که اکنون جاری سیلابی سهمگین گشته اند مردانی بودند که می ساختند. ساخته بودند بسیار؛ انسان ها را و زمین را. و می گفتند و می آموختند و هریک خودش را در ساختن هزاران تن هزاران بخش کرده بود و صدای زندگی را بسیار کشیده و آموخته بودند.

از این مردان، بسیار کسان از وجودشان راه و رسم بودن آموختند و من نیز در مکتب و محضرشان راه بودن راه ماندن راه چگونه کاشتن و چگونه سبز نگاه داشتن را.

و می دانستند و می آموختند درس هایی که خود زندگی کرده بودند. درس ماندگاری را. مردمداری را. خوش خلقی و خوشنامی را. و این سه عجیب شکل درس هایشان بودند. از تبار آفتاب و از جنس باران. اکنون که نیستند دریایی غم با من است. به قول آدونیس محبوب "برای این آسمان که بر شانه ام می پژمرد چه کنم؟".

اکنون به جای هریک، که وعده دیدارشان هنوزاهنوز تازه است و ما را قراری بر هم نشینی ها بود غم ها با من است. و دردا که این غم ها هردم با شکستن سرو سبزی دگر، در این سیل سخت مرگ افزای، افزون می شود. دردناک تر چنانکه نصرت رحمانی سروده است:"در این لزج شب چرک/آه.../چه مردن آسان است!".

و چه ساده رفتند. و چه نامنتظر. غرشی میان مه. آنان که رفتند توفان ها به خانه ی ما ریختند. به قول شمس "در بسته/ قلبی بسته است/که پنجه ی پا را سرد می کند". یادشان اما حاضر است. و یادشان اشک می آورد. غم ها می افزاید و من به پناهگاه همیشگی ام کلمه پناه می برم. از شهر می گذرم و از روشنایی روز و از هرچه آشناست چرا که به قول حافظ موسوی: "اینجا/همه چیز/در غباری از ملال/غوطه ور است". از جاده حتی. و به دریا می رسم. به دریا که رسم غروب را خوب می داند. و با دریا، گریان، می گویم:"هجی کن/کلماتت را هجی کن دریا!" و بلند چنان که تمان ماهیان و مرجان ها بشنوند اشک آلود می خوانم:

هرجا که هست / همین حدود آشنا با ماست،
یکی می گوید من خودم دیدم
شبیه کبوتری از بال بید
پر زد و بالای آسمان رسید.

داغدار سه معلم که شاعرانه زیستند و بذر آگاهی و عشق افشاندند.



جناب آقای محمود ابراهیم زاده عزیز بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و تیم های شاهین بوشهر.ابومسلم مشهد و ذوب آهن اصفهان

دوست وهمدره گرامی در کمال تأسف برادر خود زنده یاد پرویزابراهیم زاده را متاسفانه از دست داد و آسمان شد بدینوسیله مراتب تألم وتاثر خود را اعلام می داریم و در غم شما شریک هستیم صمیمانه از طرف خود و بازیکنان تیم فوتبال پیشکسوتان راه آهن تهران به حضرتعالی و خانواده محترم داغ دیده ابراهیم زاده تسلیت عرض می کنیم و برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و بازماندگان صبر جمیل از ایزد منان مسئلت داریم.

روحش شاد و یادش همواره گرامی باد.

(تیم فوتبال پیشکسوتان - نادر فریادشیران)